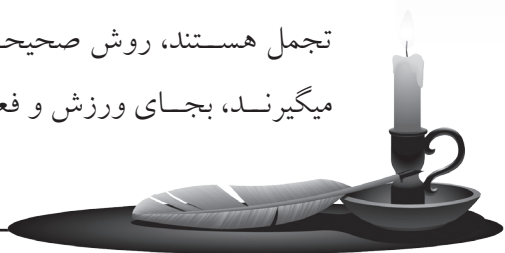


یکی از مسائلی که در اداره جلسه بسیار مهم است این است که باید رفتار نوجوانان را بشناسیم. سن نوجوانی سنی است که تاثیر بسزایی در بزرگسالی دارد. کارشناسان سن نوجوانی را اشتراکی میان سن کودکی و بزرگسالی و نیز مقدمه‌های بر سن بزرگسالی میدانند. در این سن رفتارهایی در نوجوانان به وجود می‌آید که بسیار برای والدین و مقدار کمی هم برای ما نگران کننده است. ما باید نسبت به این رفتارها شناخت داشته باشیم. برخی از رفتارها را شاید به عنوان یک رفتار زشت تلقی کنیم در حالی که یک بازخورد ساده است. گاهی اوقات رفتاری باعث میشود که ما از یک فرد به کلی ناامید شویم در حالی که تنها یک شیطنت ساده رخ داده است.

یکی از دوستان برای من تعریف میکرد که در جلسات آقای بیاتی، هنگام خواندن دعا ما در انتهای جلسه شیرینی میخوردیم و شیطنت میکردیم در حالی که این فرد یکی از فراگیران موفق این جلسه بوده است در حالی که شاید اینطور قضاوت شود که اینها برای این جلسه مناسب نیستند و ما مجبور به حذف آنها خواهیم بود.

سقراط در انتقاد به نوجوانان آتن سخن زیبایی دارد که میگوید طرفدار تجمل هستند، روش صحیحی ندارند، مقامات جامعه را به تمسخر میگیرند، بجای ورزش و فعالیت به وراجی راغب شده‌اند، در انذار



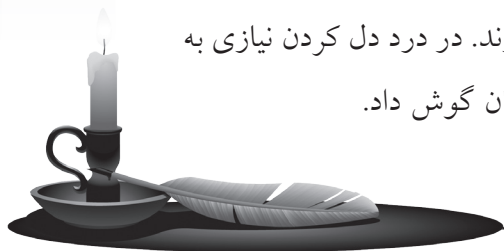


شوخی میکنند، آداب غذا را رعایت نمیکنند، از معلمین اطاعت نمیکنند و ... اینها نشان میدهد که نوجوانان از ۲۴۰۰ سال پیش نیز چنین رفتارهایی داشتهاند. نوجوانی یک حالت طغیان دارد. این شیطنتها جزء فطرت نوجوانی است.

لازم است بیان کنم که دسته بندیهای موجود بسیار متداخل و متفاوت هستند، به همین دلیل زیاد بر آنها استدلال نمیکنیم.

یکی از رفتارهایی که از نوجوانان بروز میکند، درون گرایی است بدین معنا که کودک با ورود به مرحله نوجوانی، درون گرا میشود. یک کودک ممکن اتفاقاتی را که در طول روز برایش به وجود آمده است را برای پدر و مادر خود تعریف کند اما اگر یک نوجوان چنین رفتاری از خود نشان دهد، غیر طبیعی است. در این سن نوجوان بجای حل مشکل خود، با آن درگیر میشود. یک موضوع بسیار ساده برای ما، برای آنها تبدیل به یک مشکل بفرنج میشود و در این زمینه وجود مربی بسیار میتواند موثر باشد چراکه آنها بیشتر با مربی خود صحبت میکنند بجای صحبت با پدر و مادر خود.

نوجوانان گاهی اوقات با شما مشورت میکنند و گاهی تنها درد دل میکنند. این دو با یکدیگر بسیار تفاوت دارند. در درد دل کردن نیازی به راهنمایی مربی نیست و تنها باید به نوجوان گوش داد.



یکی از ویژگیهای دیگر این دوران، عدم تصمیم گیری جدی است. در سنینی در حدود دوم دبیرستان، تصمیم گیری آنها تثبیت میشود اما در دوران راهنمایی، تصمیم گیری آنها تنها برای تجربه اندوزی است و نباید در مورد آن احساس نگرانی کرد.

ویژگی دیگر این دوران مطلق نگری است. در عین نداشتن تصمیم گیری جدی، نسبت به نتیجهای که به آن رسیدهاند پافشاری میکنند.

ویژگی دیگر خودنمایی است که در مورد آن صحبت خواهیم نمود.

یکی دیگر از ویژگیهایی که بسیار مهم است این است که نوجوان در این دوران به دنبال یک استقلال عاطفی است. این دوران، دوران گذار

است، استقلال ندارد اما همیشه به دنبال استقلال است. تصور میکند

بزرگ شده است در حالی که بزرگ نشده است. علاقه دارد که رفتار

بزرگتر از خود را نشان دهد. این رفتار ابتدا نسبت به پدر و مادر بروز

میکند و ممکن است دامن مربی را نیز بگیرد. اگر مربی بیش از اندازه

رفتار بچه گانه و یا رفتار عاطفی با آنها داشته باشد، اگر سیطره عاطفی

با وی را ادامه دهد و در دورانی مانند دبیرستان هم تداوم داشته باشد،

فراگیر او را نفی میکند. در این سن سیطره عاطفی را تا حدی میپذیرد.

بحثهای احساسی مربی باید در پایان دوران راهنمایی به اتمام برسد. در

دوران دبیرستان در عین داشتن وابستگی عاطفی نیاز به استقلال عاطفی





دارند. این وابستگی میان مربی و فراگیر باید به حالت جدیتری تبدیل شود.

یکی از ویژگیهایی که دوستی در دوران کودکی دارد این است که دوستی تنها به معنای همبازی است. بجای استفاده از دوست باید کلمه همبازی را به کار برد. در سنین بالاتر همبازی تبدیل به رفاقت میشود آن هم رفاقت با کیفیت. در این زمان حسد نیز ایجاد میشود و نسبت به رفیق خود احساس مالکیت پیدا میکند. این مطلب از آن جهت مهم است که فراگیران با سابقه جلسه، هم به عنوان سرمایه محسوب میشوند و هم به عنوان آفت. آنها از این جهت آفت هستند که نسبت به ورودیهای جدید به جلسه موضع گیری میکنند و در رابطه آنها با مربی خود خلل ایجاد میکنند. اگر با چند فراگیر رابطه نزدیک برقرار کنید خواهید دید که بعد از مدتی افراد جلسه شما زیاد نخواهند شد. این بدین دلیل است که چنان رابطهای میان این افراد شکل میگیرد که از ورود اعضای جدید جلوگیری خواهند کرد.

دومین بحث رفتارهای شخصیتی است. این رفتارها در جلسات بروز میکنند.

در این سنین نوجوانان به دنبال نقش یابی هستند. منافقین از این ویژگی بسیار به نفع خود استفاده میکردند. یکی از مواردی که کانونهای



دو ساعته در آن با مشکل مواجه میشوند، همین مورد است. این کانونها به این دلیل که تنها دو ساعت با فرد مورد نظر ارتباط دارند، فرد در این جلسه هیچ نقشی پیدا نمیکند. کانونهایی که دارای برنامهها جانبی هستند، از این نظر موفقتر عمل میکنند. البته باید در نظر داشت اگر این نقش بیش از اندازه جدی گرفته شود، فراگیر دچار مشکل خواهد شد و به قول معروف "قوره نشده مویز میشود". در این موارد مسئولیت دادن به افراد کار اشتباهی است اما انجام کاری را بر عهده فراگیران گذاردن کار درستی است. ظاهر این کار شاید مفید نباشد اما برای فراگیر بسیار ارزشمند خواهد بود. منافقین هم همین عمل را اجرا میکردند. در یک گروه سه نفره، یک نفر به عنوان رئیس انتخاب میشود است و این سلسله مراتب به صورت کاملا جدی پیگیری میشود تا کسی فکر نکند که در این گروه مسئولیتی ندارد. این از آن جهت اهمیت دارد که هر شخص نقش خود را در گروه خواهد یافت.

- در کانونهای دو ساعته برای ایفای نقش میتوان از ارائه کنفرانس استفاده نمود و یا حتی میتوان در پذیرایی جلسه از آنها استفاده نمود. این حرف درستی است اما با افزایش سن، این گونه مسئولیتها ارضاء کننده حس نقش یابی آنها نخواهد بود. در این میان بحثی به وجود میآید به نام شلوغ کاری فراگیران. یکی از دلایلی که منجر به این شلوغ کاری





میشود، نداشتن مسئولیت در جلسه است. نوجوانان به دنبال نقش و ارزش هستند به همین دلیل در خانوادههایی که بیشتر به فرزندان خود ارزش میدهند، فرزند متصلتری نسبت به خانواده خواهند داشت.

در این سن به دلیل احساس بزرگی که در آنها به وجود میآید، نیاز دارند که به آنها احترام گذارده شود. به همین دلیل برخوردی که در سنین راهنمایی با آنها میشود را نباید در سنین دبیرستان با آنها انجام داد. نکته بعد در ارتباط با ایجاد تفکر انتزاعی در نوجوانان است. میگویند در سنین دبستان باید با دانشآموزان در خصوص مطالب حفظی کار نمود تا این مطالب در سنین بزرگسالی مورد استفاده آنها قرار گیرد. در تفکر انتزاعی نیاز است تا با استفاده از این مطالب، عمل پردازش و تحلیل صورت گیرد. با افزایش سن فراگیران، اگر تحلیلهای جلسات را بیشتر کنید مشاهده خواهید نمود که جلسات زندهتر و شادابتری خواهید داشت. هرچه سن بالاتر میرود احساس به ایجاد تفکر انتزاعی بیشتر خواهد شد. به عنوان مثال پیشنهاد حفظ یک سوره از قرآن برای دانش آموز راهنمایی بسیار مناسب است ولی این پیشنهاد مورد استقبال یک دانش آموز دبیرستان قرار نخواهد گرفت. این سن، سن حفظ کردن نیست و بیشتر میبایست با آنها به صورت دو طرفه بحث نمود.

مطلب بعد ترسیم هدفهای ذهنی و ایجاد رؤیا است. در دوران گذار از



کودکی به نوجوانی، نوجوان اقدام به خیال پردازی و رؤیا پردازی مینماید که در این سن بسیار طبیعی است. اگر این در این عمل زیاده‌روی شود، منجر به بیماری میشود و اگر به واقعیت نپیوندد، منجر به بیماریهای حاد میگردد. اما اگر زمینهای برای رشد آن فراهم گردد، بسیار از آن میتوان استفاده نمود. قهرمان سازی از خود در نهایت منجر به علاقه مندی به یک قهرمان خواهد شد. در این سن نیاز به الگو و یا همان قهرمان به شدت حس میشود. اگر این الگو را شما در اختیارش قرار ندهید، مطمئناً خود نوجوان یک الگو انتخاب خواهد نمود. این الگو میتواند فوتبالیست، هنرپیشه و یا ... باشد. ارائه الگو به نوجوانان به معنای سر کار گذاشتن آنها نیست بلکه رفع نیاز آنها است. بنابر این قهرمان سازی باید صورت گیرد.

نکته بعدی بحث گروه گرایی است. در راستای هویت یابی، نوجوان اقدام به عضویت در گروه مینماید. اگر این گروه گرایی را در جلسه ببیند، بسیاری از مشکلات حضوری وی در جلسه حل خواهد شد. اگر این هویت در جلسه به وی داده نشود مشاهده خواهید نمود که این گروه گرایی در خارج از جلسه دنبال میشود و به تبع آن دوستانی متفاوت از فضای جلسه پیدا خواهد کرد.

بحث بعدی بحث سهل انگاری است به طور معمول در میان همه





نوجوانان شایع است.

ویژگی بعدی در پیروی از همسالان است. در این سن نوجوانان به شدت علاقه مند به رفاقت‌های دوستانه میباشند. گاهی اوقات مربی تصور میکند این پیوند مانع برقراری ارتباط میان وی و فراگیر میباشد و سعی در گسستن این پیوند مینماید. این عمل در میان خانواده بسیار نمایان میشود بدین نحو که با ایجاد یک دوستی جدید، پدر و مادر کاملاً حذف خواهند شد. پدر و مادر از این اتفاق بسیار نگران میشوند در حالی که این عمل، امری طبیعی در میان آنان است.

یکی از خصوصیات اخلاقی، تلاطم روانی و عاطفی است. با افزایش سن این عکس‌العملها طبیعیت‌تر شده و در عین حال قویتر میشوند. تلاطم روانی بدین معنا است که فرد یک روز شاد است و یک روز غمگین اما گاهی این حالات تا بزرگسالی نیز باقی میماند.

ویژگی دیگر نقد آنها نسبت خود و اطرافیان است. گاهی اوقات این خصوصیت را به وضوح میتوان مشاهده نمود همانطور که جامعه نیز این موج را تشدید میکند و به افراد شیوه نقد کردن را میآموزد و هرچه سن افراد بالاتر میرود این علاقه به نقد کردن افزایش مییابد. این ویژگی ناشی از همان تفکر انتزاعی است که گاهی با توجه به داده‌های درست ساخته شده است و گاهی نیز داده مناسبی در پشت آن قرار ندارد.

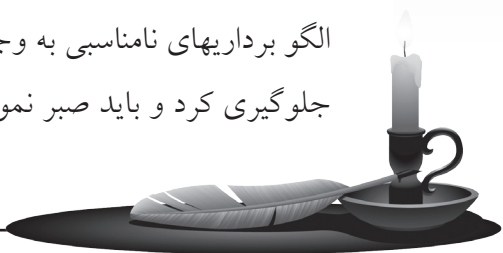




ویژگی بعدی آرمان گرایی است که معنای آن مشخص است به علاوه هویت یابی نیز از خصوصیات این دوران است.

- سوال: آفتهای پیروی از همسالان و تلاطم روانی چیست؟ در صورت تغییر کردن نوع گفتگوی یک نوجوان در اثر دوستی با یک همسال، تا چه حد تغییر رفتار وی طبیعی جلوه مینماید؟ تشخیص این امر که در کجا تبدیل به آفت میشود و در کجا طبیعی است، چگونه است؟

یکی از ویژگیهایی که این دوستیها دارند، افراطی بودن حالت آنها است. این دوستی نوعی عشق است. اگر فرد به این مرحله برسد به هیچ وجه نمیتوان وی را جدا نمود که اگر این جدایی صورت گیرد، ضربه عاطفی شدیدی برای وی رخ خواهد داد. برای مقابله با این حالت باید قبل از بروز آن، چاره جویی نمود. اگر چنین دوستی شکل گرفت به دلیل بروز عواطف بسیار شدید تنها میتوان صبر نمود تا آتش آن خاموش شود. گاهی فرد آسیبهایی مینماید و باز میگردد و گاهی نیز باز نمیگردد. این دوستیها ممکن است میان فردی بزرگتر و یا کوچکتر از نوجوان ایجاد شود. اگر دوست بزرگتر از نوجوان فرد مناسبی نباشد، ممکن است تبعات بسیاری برای نوجوان به وجود آید و ممکن است الگو برداریهای نامناسبی به وجود آید. اما دوستی با همسالان را نمیتوان جلوگیری کرد و باید صبر نمود تا این دوستی عقلانیتز ش شود. در این





موارد میبایست موضع گیریهای غیر مستقیم به صورت تذکرات کلی در جلسه انجام شود و بایستی از موضع گیری مستقیم جلوگیری نمود. دکتر ورهرام: به نظر من ویژگی هویت یابی در خصوصیات اخلاقی با ویژگیهای دیگری که بیان شد کاملاً متفاوت است. هویت یابی هدفی است که مابقی تحولات برای رسیدن به آن رخ میدهد. اگر این هدف وی را مورد توجه داشته باشید متوجه خواهید شد که کلیه عکس العملها اعم از نقش پذیری، قهرمان سازی و ... در راستای همین هدف است. به نظر میرسد این ویژگی را باید به عنوان شاکله اصلی در نظر گرفت. نکته دیگری که در برخورد با نوجوانان بسیار مهم است، مکانیزمهای عدم موفقیت است. گاهی اوقات شلوغ کاری بیش از حد فراگیران و یا عدم جذابیت مربی برای آنها، تنها عکس العملی در قبال یک عمل است. مربی خوب مربی است که همواره در جلسه بداند هر فرد به چه دلیل و در قبال چه عملی عکس العمل خاصی را نشان داده است؟

به دو دلیل ممکن است فرد در جلسه نتواند موفقیت کسب نماید. یکی از دلایل آن ناکامی در رسیدن به یک هدف در خارج و یا داخل جلسه است. این هدف ممکن است ایجاد دوستی با مربی باشد. دلیل دوم نیز میتواند داشتن هدفهای متناقض باشد. ممکن است فرد خانوادهای غیر مذهبی داشته باشد و در جلسههای مذهبی حضور پیدا میکند. در این

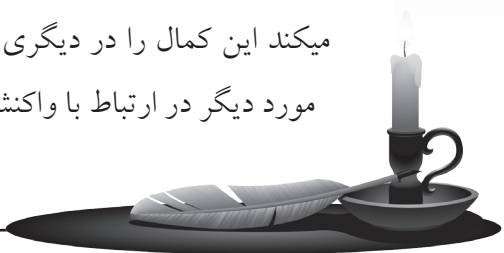


صورت اهداف متفاوتی را در خانه و در جلسه دنبال خواهد کرد. برای حل این مشکل، فرد مکانیزم‌هایی را به اجرا می‌گذارد. اولین مکانیزم، مکانیزم پرخاش جویی است. این پرخاش جویی به این صورت است که فراگیر شروع به توهین به دیگران میکند. این توهین ممکن است به پدر و مادر، دیگر دوستان و یا حتی مربی خود باشد. گاهی اوقات این پرخاش به عنوان بیادبی تلقی می‌گردد در حالی که پرخاش جویی ناشی از هدفی است که به آن نرسیده است.

دومین مکانیزم، مکانیزم جبران است. میبایست هر نوجوان خود را مهم حس کند. اگر او نتواند از راهی نظر دیگران را به خود جلب کند سعی میکند از راههای دیگر نظر دیگران را به جلب نماید. به عنوان مثال اگر نتواند در درس موفق باشد سعی میکند در ورزش رشد نماید و خود را نشان دهد.

مکانیزم بعدی انطباق است. نوجوان ناموفق همیشه سعی میکند احساس عدم موفقیت خود را با همنشین شدن با جوان موفق برطرف سازد. به عنوان مثال فرد فوتبالیست نیست اما با یک فوتبالیست دوست میشود. این فرد در زمینه مورد علاقه خود شکست خورده است و سعی میکند این کمال را در دیگری بیابد.

مورد دیگر در ارتباط با واکنش سازی است. در تعارض نوجوان میتواند





یکی از مواردی را که دچار تعارض شده است را نسبت به دیگری تقویت نمود. گاهی اوقات که نوجوان به دنبال دو هدف متناقض است، با قوی نمودن یکی از آنها به آرامش میرسد. این به نحوی همان مکانیزم جبران است. در این روش با تقویت یک هدف به خودی خود هدف دوم برای نوجوان از بین خواهد رفت.

خود مرکزی: به علاوه نوجوانی که به نحوی احساس عدم امنیت میکند سعی میکند دیگران را به سمت خود جلب کند این امر را با متلک گویی و بذله گویی انجام میدهد.

منفی بافی: در این روش جلب توجه بر پایه منفی بافی و منفی نگری است. در این حالت نوجوان با همه مسائل مخالفت میکند.

کناره‌گیری: گاهی نوجوان به این دلیل که نتوانسته است توجهات را به خود جلب نماید، به اجبار گوشه‌گیر و آرام و میشود.

پناه بردن به بیماری: این مورد بیشتر در اردوها مشاهده میشود.

یکی از نکاتی که در جلسات باید به آن توجه نمود این است که باید در نظر داشت آنچه در جلسه میگذرد مناسب همه است و یا برای چند نفر مفید است؟

در بحث جامعه گفته میشود جامعه‌های موفق است که به تمام پرسشهای یک فرد پاسخ دهد. در جلسه بسیار مهم است که ما متکلم وحده نباشیم.

در جلسات ما مرسوم است که در ابتدا همه افراد نظرات خود را راجع به



جلسه گذشته بیان میکنند و یا هر مطلبی که مناسب آن جلسه بدانند را در ابتدا عنوان میکنند. با این روش هم میتوان متوجه انتقادات آنان شد و هم میتوان متوجه دنیای آنها و نزدیکی با آنها شد. همواره باید سعی نماییم مطالبی را در جلسات بیان نماییم که برای نوجوانان مفید باشد باید دانست مربی موفق همانند فراگیران رفتار نمیکند. نباید همانند خاله سارا با آنها برخورد نمود. به نحوی با آنها رفتار نمایید که گویی با یک جوان ۲۰ ساله برخورد مینمایید. اگر همانند یک کودک با وی برخورد نمایید، او شما را نفی میکند. هرچه بیشتر به آنها شخصیت دهید، رفتار بزرگوارانهتری از آنها خواهید دید.

مربی موفق شخصیت فراگیر را در جلسه و اجتماع شکل خواهد داد. با جهت دهی از سوی مربی میتوان شخصیت فراگیر را شکل داد. یکی از مطالب مهم دیگر تکیه بر تجربیات موفقیت آمیز فراگیران است. میتوان یکی از تجربیات موفقیت آمیز فراگیر را بزرگ نمود و در آن زمینه وی را رشد داد.

در این سن هنگامی که نفی خانواده اتفاق میافتد، وظیفه مربی بسیار سنگین خواهد شد. در این زمان یک جایگزین بسیار مناسب، مربی است. در این سن استقلال عاطفی از خانواده به وجود میآید و مربی در این حالت میتواند بهترین استفاده را نماید چراکه فراگیر مستقیماً به سوی





مربی می‌آید و وی میتواند به فراگیر جهت دهی دهد. البته باید توجه داشت که در این موارد مربی نباید سعی کند که جای خانواده را پر کند. اگر ما آنها را در منفک شدن از خانواده همراهی نماییم و جایگاه والدین را در نظر آنها پایین بیاوریم، در آینده قطعاً ناموفق خواهیم بود. به هیچ وجه نباید آنها را از ریشه خود جدا نمود. نوجوانانی که خانوادگی غیر مذهبی دارند، در سنین اول و یا دوم دبیرستان به تناقضات شدیدی در مورد خانواده و جلسه خود میرسند. برای حل این مشکل باید راهکاری سنجید تا بتوان آنها را از این برهه عبور نمود.

نکته بعد در فعالیتهای موازی است که به نحوی همان نقش یابی است. باید توجه داشت که میبایست به فراگیران انجام یک کار را واگذار نمود و نه واگذاری مسئولیت بر آنها.

بحث بعدی اغنا نشدن و علاقه عاطفی فراگیران است. گاهی اوقات فراگیر به مربی علاقه‌مند میشود و به همین دلیل کارهایی که در نظر مربی خوب جلوه میکند را انجام میدهد. باید دانست که در این موارد انجام این فعالیت به معنای پذیرش آنها از سوی فراگیر نخواهد بود و تنها عملی برای جلب نظر مربی است.

گاهی اوقات نیز اتفاق میافتد که فرد رفتاری از خود بروز میدهد تا بتواند آن را تجربه نماید.

